

## ارتباطات میان فردی در سیره امام سجاد (ع)

زهرا طاهری پورا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۲

### چکیده

این مقاله سیره و زندگی امام سجاد (ع) را با تاکید بر شیوه های ارتباطی میان فردی بررسی کرده و برای این منظور از اسناد و شواهد تاریخی و آثار بجای مانده از حضرت همچون صحیفه سجادیه بهره گرفته است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که نحوه تعامل و ارتباط میان فردی حضرت با سایر افراد از قشرهای مختلف چگونه بوده است؟ با توجه به این که شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، محدودیت ها و تهدید هایی را برای امام ایجاد کرده بود؛ به نحوی که برقراری ارتباط آزادانه به راحتی برای حضرت میسر نبود. این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی به شمار آمده که به روش کتابخانه ای انجام شده است. نتایج حاصل نشان می دهد که امام با توجه به امکانات موجود از روش هایی همچون؛ توضیح دادن، رفتارهای همراه با ملایمت، احسان و نیکی در مقابل بدی و رفتار حمایتی بهره گرفتند. نتایج حاصل بخشی از روش های ارتباطی پیشوای چهارم را بازگو می کند که می تواند به عنوان الگویی کارآمد و موفق در جامعه امروز مورد توجه قرار بگیرد.

**کلیدواژه:** امام سجاد (ع)، سیره، ارتباطات، ارتباطات میان فردی، ارتباطات دینی

## مقدمه

امام علی بن الحسین (ع) مشهور به زین‌العابدین و سجاد بنا به نقل مشهور در سال ۳۸ هجری در مدینه چشم به جهان گشود. امام حدود ۳۵ سال امامت کرد و در سال ۹۴ یا ۹۵ هجری به دست ولید بن عبدالملک به شهادت رسید. دوران امامت امام سجاد(ع) با شهادت امام حسین(ع) در سال ۶۱ هجری آغاز شد، این دوره شرایط خاصی داشت. جنایت هولناک کربلا منجر به ترس و انزوای مردم گردید و بر محافل شیعه هم رعب و وحشت بسیار حاکم شد. بر مردم مسلم شد حاکمیت اموی برای استحکام پایه‌های حکومت خود از انجام هیچ جنایتی فروگذار نخواهد کرد. تعداد بسیار اندک شیعیان در این زمان حاکی از ازهم‌پاشیده شدن تشکیلات شیعه داشت.

جو خفقان و رعب‌آور با روی کار آمدن خلفایی همچون مروان بن حکم (۹ ماه از سال ۶۵ ق)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ق) و ولید بن عبدالملک (۹۶-۸۶ ق) تشدید شد. عبدالملک بن مروان هنگام به دست گرفتن قدرت طی سخنانی به مردم گفت: «بین ما فقط شمشیر حکم می‌کند و به خدا سوگند از این پس گردن هرکسی را که مرا به تقوا امر کند خواهیم زد» (سیوطی، ۱۴۲۴: ۱۷۵).

این شرایط دشوار ارتباط و تعامل میان مردم را هم تحت تاثیر قرار داده بود. ترس و وحشت اعتماد را که لازمه هرگونه ارتباطی است را از میان برده بود؛ در نتیجه ارتباطات میان فردی نیز بسیار سست و شکننده شده بود.

در چنین اوضاعی امام سجاد (ع) از شیوه‌های ارتباطی مختلف بهره گرفت. البته برای شناخت این شیوه‌ها نظریات اندیشمندان دانش ارتباطات به تنهایی قادر به تبیین الگوهای رفتاری آن حضرت نیست. زیرا هدف امام تنها برقراری یک ارتباط عادی نبوده است. مطالعه سیره حضرت و آموزه‌های دینی ایشان ارتباطات هدفمندی را نشان می‌دهد که در قالب ارتباطات دینی معنا پیدا می‌کند. در ارتباطات دینی، پیام و اطلاعات که محتویات هرگونه ارتباطی را ارائه می‌دهند خنثی و بی‌ارزش نیست. این مهمترین تفاوت میان ارتباطات دینی و غیردینی می‌باشد. در سنت اسلامی کلمه ارتباطات به معنای انضباط ذهن یا هر رفتار قابل ستایش است که یک فرد را برتری می‌دهد. اولین و بنیادی‌ترین نگرش در اسلام نسب به ارتباطات، نظریه توحید است (پورنقدی، ۱۳۸۱: ۱۴). توحید اصلی است که با همه اجمالی که دارد متضمن تمامی تفاسیل و جزئیات معانی قرآنی است، چه معارفش و چه شرایعش و به

عبارتی اصلی است که اگر شکافته شود همان تفاسیل می شود و اگر آن تفاسیل فشرده شود به این اصل واحد برگشت می کند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲۰۰: ۱۰).

این واژه به معنای وحدت، پیوستگی و هماهنگی تمام اجزای جهان می باشد. به این ترتیب، یکی از اساسی ترین محورهای ارزشی و اخلاقی ارتباطات، در دنیای اسلام به وجود آمده است. یگانی پروردگار، وجود هدف در خلقت و رهایی و آزادی نوع بشر از قید و بند عبودیت ما سوی الله و در یک کلمه نظریه توحید، هرگونه ارتباط و پیوند فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که بشر را تحت سلطه مخلوق در آورد را مردود می شمارد. الگوی ارتباطات اسلام به ربوبیت اعتقاد دارد. به موجب اصل توحید، ویران کردن ساختارهای فکری مبتنی بر نژادپرستی، قوم گرایی، خویشاوندی و سلطه جویی از اصول ارتباطات اسلام است. بدین معنا که در انواع گوناگون ارتباطات درونی میان فردی، گروهی و عمومی، جمعی، میان فرهنگی و غیره می یابد این اصل حاکم باشد. چنانچه این اصل در ذهنیت ما به وجود نیاید، در حقیقت اصل دیگری به وجود آمده است. چرا که سخن گفتن بدون ذهنیت غیرممکن است (حقیقی، ۱۳۹۲: ۱۹).

امام سجاد (ع)، همونوا با آیات قرآن در مورد توجه به موضوع توحید چنین می فرماید: «انک الواحد الاحد الصمد، الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن لک کفوا احد» تو آن یکتای بی نیازی که نه فرزندی آورده ای و نه فرزند کسی بوده ای و هیچ کس همتای تو نیست (دعای ۳۵، بخشی از فقره ۵۰).

در جای دیگر نیز جریان توحید در عالم هستی را به شیوه ای موحدانه تعریف می کند، که جز خدا و رحمت رحمانیت او چیزی در عالم حاکم نیست.

امام در یکی از دعاهای خود می فرماید: «فهمی بمشیتک دون قولک موتمره» (دعای هفتم صحیفه سجاده) نظام هستی با مشیت و اراده، توکار می کند بدون اینکه سخنی بگویی. حال طبق این نگاه توحیدی انسان و تمام روابط و ارتباطاتش تفسیر می شود. در چنین نظام توحیدی انسان فطرتی خداجوی و فراتر از ماده دارد. برترین آفریده خداوند است. دارای اختیار و اراده است و نوع دوستی از ویژگی های اوست (فرزانه، ۱۳۸۴).

## تعریف مفاهیم

### ۱- سیره

سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فعله» است که در زبان عربی دلالت بر نوع می کند (عمید، ۱۳۸۰).

راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد (راغب اصفهانی، ۱۹۹۷). ابن فارس نیز چنین می نویسد: «سیره» اصلی است که دلالت بر گذشت و جریان دارد. از «سار» یسیر، سیرا گرفته شده است. «سیر» به معنای سیر در روز و شب است. «سیر» روش در چیزی و به معنای سنت است زیرا حرکت می کند و جریان می یابد (ابن فارس، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۲۰).

سیره در معنای اصطلاحی «به معنای اصولی است پایدار که تعیین کننده سبک رفتار در حوزه های معین باشد، به عبارت دیگر سیره، منطقی عملی است» (طباطبایی و دیگران، بی تا: ۱۴۰).

## ۲- ارتباط

ارتباط نشانگر فرآیندی است که در آن، اطلاعات، عقاید و افکار مردم هم از راه مستقیم و هم از طریق مجراهای مختلف صورت می گیرد. به عبارت ساده تر، اطلاعات از طریق ارتباط انتقال می یابند. در برقراری ارتباط، پیوسته هدفی وجود دارد و فرد برای دریافت آگاهی بیشتر، با دیگران ارتباط برقرار می کند. در پرتو ارتباطات است که فرد به مهارت های تازه و طرز فکر و رفتارهای جدید دست می یابد (دادگران، ۱۳۹۶: ۱۷).

مهدی محسنیان راد تعریف پیشنهادی برای ارتباط را چنین مطرح می کند: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان راد، ۱۳۹۲: ۵۷) طبق این تعریف ارتباط فراگرد است. یعنی یک تغییر ممتد در زمان می باشد (محسنیان راد، ۱۳۹۲: ۷۵).

چارلز کولی ارتباط را چنین تعریف می کند: «ارتباط مکانیسمی است که روابط انسانی بر اساس آن بوجود می آید و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آن ها در مکان و زمان بر پایه آن توسعه پیدا کند. ارتباط، حالات چهره، حرکات، طنین صدا، کلمات، نوشته ها، چاپ، راه آهن، تلگراف، تلفن و تمام وسایلی که اخیراً در راه غلبه بر مکان و زمان ساخته شده اند همه را در بر می گیرد» (معتمد نژاد، ۱۳۸۵: ۲۸).

## ارتباطات میان فردی

ارتباط میان فردی، محوری‌ترین سطح ارتباط انسانی است. ارتباط میان فردی، ارتباطی است مستقیم میان دو تن یا تعدادی بیشتر از افراد که در مجاورت فیزیکی قرار دارند. طی این ارتباط، تمام حواس پنجگانه می‌تواند به کار گرفته شود. این ارتباط بین یک شخص یا شخص دیگری برقرار می‌شود. هدف از برقراری این نوع ارتباط رد و بدل کردن اطلاعات، درک بهتر یکدیگر، تأمین نیازهای اجتماعی و یا حل تعارضات و اختلافات است. در این نوع ارتباط، نقش فرستنده و گیرنده پیام مدام جابجا می‌شود و بازخورد فوری و بدون واسطه است. اهمیت ارتباط میان فردی تا آنجا است که ارتباط میان فردی در تمام سطوح ارتباطی و حتی ارتباطات جمعی محوریت دارد (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۷).

در ارتباط میان فردی، اطلاعات، معانی و احساسات از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی به دیگری انتقال می‌یابد.

متداول‌ترین شکل ارتباطات انسان سخن گفتن و استفاده از کلمات و جملات است که بهترین نوع علائم انسانی را در بر می‌گیرد. در ارتباطات کلامی اطلاعات و افکار از طریق زبان و گفتار منتقل می‌شود (دادگران، ۱۳۷۴: ۳۱).

ارتباط غیرکلامی، ارتباطی است که از راه رفتار هر فرد، حالات چهره، تَن و لحن صدا، حرکات بدنی معانی انتقال می‌یابد. این نوع ارتباط می‌تواند آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. نشانه‌های غیرکلامی ایفاگر سه نقش هستند:

۱. جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند؛ مثلاً به جای گفتن بله یا خیر سر را به پایین یا بالا حرکت می‌دهیم.

۲. پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند؛ مثلاً همراه خوشامدگویی به مهمان چهره‌ای بشاش و لبخند محبت‌آمیز هم چاشنی می‌کنیم.

۳. در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند؛ مثلاً در یک جمع پنج نفره سپس از بیان یک جمله به طرف مقابل با زدن چشمکی به دیگر آن عدم صحت آن جمله را اعلام می‌کنیم. نشانه‌های غیرکلامی در ایفای نقش اول و دوم در خدمت ارتباط زبانی هستند ولی هنگامی که در جهت خلاف پیام‌های کلامی (نقش سوم) عمل می‌کنند ارتباط زبانی در شرایط بن‌بست دوسویه قرار می‌گیرد (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

## ۱- توضیح دادن

توضیح دادن از یک سو با توصیف کردن، گفتن یا دستورالعمل دادن است که طی آن فرد توضیح‌دهنده به توصیف و تجویز می‌پردازد. از دیگر سو گاهی منظور از آن چیزی بیش از توصیف است و منظور ارائه دلیل یا فاش کردن علل حقایق یا رویدادهاست (هارجی، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

مهارت توضیح دادن یکی از مهمترین و رایج‌ترین مهارت‌های اجتماعی است، با این و صف قاعده‌مند کردن آن مشکل است؛ زیرا کافی بودن توضیح با سن، اطلاعات قبلی و توانایی ذهنی طرف مقابل رابطه مستقیمی دارد. وظیفه اصلی فرد توضیح‌دهنده این است که ببیند چطور بین پیچیدگی توضیحات و توانایی مخاطبان خود توازن ایجاد کند و توضیحات وی باید در چه سطحی باشد (هارجی، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

نمونه‌ای از توضیح دادن امام سجاد (ع) را مورخین در شهر شام گزارش کرده‌اند. امام سجاد (ع) در مقابل پیرمردی که خدا را به جهت شهادت امام حسین (ع)، یارانش و اسارت خاندانش شاکر بود، چنین فرمود: «ای پیرمرد آیا قرآن خانواده‌ای؟ مرد گفت: آری. امام فرمود: آیا این آیه را خوانده‌ای. «قُلْ لَا اسئَلُکُمْ علیه اجرًا الا المَوَدَّه فی القُربی» (شوری، آیه ۲۳) بگو از شما مزدی جز دوستی نزدیکانم نمی‌خواهم؟ آن مرد گفت: آری، این آیه را خوانده‌ام. امام سجاد فرمود: نزدیکان و خویشاوندان پیامبر ما، امام پر سید: آیا در سوره بنی اسرائیل خوانده‌ای: «و ات ذالقربی حَقَّه» (اسراء، آیه ۲۶) حق ذوی القری را بده آن مرد گفت: آری خوانده‌ام. امام فرمود: «قُربی» ما، اهل بیت هستیم ای مرد. امام سپس فرمود: آیا این آیه را خوانده‌ای؟ «واعلموا انما غنمتم من شی فانَّ لله خُمسه و للرسول و لذی القربی» (انفال، آیه ۴۱) «و بدانید آنچه غنیمت گرفتید از هر چیز، پس به راستی خمس آن برای خدا و رسول و ذی القربی است»؟ امام فرمود: قربی مائیم ای مرد. امام دوباره پرسید: آیا این آیه را خوانده‌ای؟ «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب، آیه ۳۳) همانا خدا اراده فرمود که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و تطهیرتان کند در کمال تطهیر» آن مرد گفت: بله خوانده‌ام. امام فرمود: ای مرد، مائیم اهل بیت، که خدا تنها ما را به آیه تطهیر مخصوص داشت.

به گفته اون هارجی نمی‌توانیم به خودی خود فرض کنیم که شنوندگان توضیحات ما را فهمیده‌اند. بنابراین باید ببینیم آیا توضیحات ما را درک کرده‌اند یا خیر. برای این کار باید از آنها فیدبک بگیریم. چند راه برای بررسی تأثیر توضیحات وجود دارد. نخستین و شاید ساده‌ترین راه این است که به رفتار غیر کلامی شنونده یا شنوندگان توجه کنم، زیرا شواهد خوبی در اختیار

ما می‌گذارد (هارجی، ۱۳۸۴: ۲۱). البته پا سخ‌های کلامی شنونده نیز حاکی از درک و پذیرش سخنان گوینده دارد.

در همین گزارش تاریخی راوی می‌گوید: آن پیرمرد سکوت کرده بود در حالی که از گفته خود پشیمان بود. سپس با تعجب پرسید. شما را به خدا آیا شما همان اهل بیت پیامبر هستند؟! امام سجاد (ع) فرمود: سوگند به خدا و به حق جدمان رسول الله (ص) که بدون تردید ما همانهاییم. پیرمرد گریست و عمامه بر زمین زد، بعد رو به آسمان کرد و گفت: «خداوندا من از دشمنان آل محمد از جنس و انس بیزارم». بعد عرض کرد: «آیا برایم جای توبه هست؟ امام فرمود: آری، اگر توبه کنی خداد توبه ات را می‌پذیرد و تو با ما خواهی بود» (سید بن طاووس، بی تا: ۱۰۲-۱۰۳).

## ۲- همدلی

به گفته دکتر فرهنگی یکی از دشوارترین جنبه‌های کیفی ارتباطات، توانایی بکارگیری همدلی در یک رابطه متقابل است. همدلی کردن با کسی یعنی احساس او را درک کردن. همدلی یعنی احساسی را داشتن که دیگری نیز بدان احساس دست یافته است. یعنی ایجاد احساس مشترک با یکدیگر یعنی فرستنده پیام و گیرنده پیام هر دو به یک احساس بیگانه دست یافته‌اند. برای رسیدن به همدلی در گام اول باید از ارزیابی و قضاوت رفتار طرف مقابل برابر کرد. در گام دوم باید احساسات و عواطف طرف مقابل را درک کرد. هر چه بیشتر بتوان مخاطب را شناخت بهتری می‌توان با او همدلی کرد (فرهنگی، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۸).

در سیره امام سجاد (ع) روایت‌های متعددی از همدلی و همراهی ایشان با مردم گزارش شده است.

پیشوای چهارم برای همدلی با مردم که بیشتر آنها تهیدست بودند، خود در شرایط بسیار سخت می‌زیست. و اموال و دارایی خود را صرف کمک به تهیدستان می‌کرد به طوری که گفته شده صد خانوار از فقرا مدینه را کفالت می‌نمود. و دوست می‌داشت که یتیمان و مردمان نابینا و اشخاص عاجز و زمین‌گیر و مساکین که برای معیشت خود تدبیری نداشتند بر طعام آن حضرت حاضر شوند و با دست خود به ایشان طعام می‌داد و هر کدام از ایشان که صاحب خانواده بود برای آنها نیز سهمی می‌فرستاد.

همدلی امام سجاد (ع) با مردم فقیر چنان بود که در تاریکی شب غذا و آذوقه بر دوش خود حمل کرد و به خانه‌های فقرای مدینه می‌برد و چه بسا این عده بر سر راه خود منتظر آمدن امام بودند (اربلی، بی تا، ج ۲: ۲۹۰).

### ۳- تواضع در عمل و گفتار

تواضع به معنای ناچیز شمردن نفس تعریف شده که در برابر خداوند به اطاعت از اوامر و در برابر مردم به رفتار فروتنانه و رعایت انصاف می‌باشد خواجه نصیرالدین طوسی می‌نویسد: «تواضع آن بود که خود را مزیتی نشمرد بر کسانی که در جاه از او نازل تر باشند» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳: ۷۷).

به سبب تواضع خشم کنترل می‌شود؛ در نتیجه فرد با گذشت و عفو، در شکل‌گیری و تثبیت ارتباطات میان فردی موفق خواهد بود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حضرت سجاد (ع) هرگاه به مسافرت می‌رفت، با کاروانی هم سفر می‌شد که او را شناسند و از همان ابتدا شرط می‌کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به هم سفرانش باشد» (مطهری، بی تا: ۱۰۱). یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند کیست؟ گفتند: او را نمی‌شناسیم آن مرد گفت: این شخص حضرت علی بن حسین (ع) است. اهل کاروان که این جمله را شنیدند به نزد حضرت رفته و شروع به عذرخواهی کردند. امام (ع) در مقابل ندامت کاروانیان فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت می‌روم، آنان به خاطر رسول خدا (ص) بیش از استحقاق من، برایم خدمت می‌کنند. به همین جهت ناشناس آمدم و آن را بهتر می‌پسندم» (همان). یکی دیگر از صفات پیشوای چهارم عفو و گذشت آن بود. علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: «روزی امام سجاد (ع) از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد به حضرت جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام خواستند که آن شخص را تأدیب کنند. اما امام فرمود با او کاری نداشته باشید. آنگاه به او نزدیک شد و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی، سپس با مهربانی فرمود: آیا مشکلی داری که در حل آن به تو کمک کنم؟ مرد با مشاهده رفتار مهربانانه امام از کرده خود پشیمان گردید (اربلی، بی تا، ج ۲: ۱۰۱).



پس از آن واقعه آن مرد یکی از علاقمندان به امام بود که همواره به بیان فضایل و مناقب آن حضرت می‌پرداخت.

#### ۴- احسان و نیکی در مقابل بدی

احسان و نیکی از اموری است که خدای متعال به آن فرمان داده است «ان الله یامر بالعدل و الاحسان»

(نحل، آیه ۹۰) خدا به عدالت و نیکی کردن فرمان می‌دهد.

در سخنان امام سجاد (ع) و رفتار ایشان نکاتی مهم در مورد احسان وجود دارد. یک: احسان در مقابل کسی به دیگری نیکی کرده که حضرت چنین می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَنْشُرَ لَهُ الْمَقَالَهَ الْحَسَنَهَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سَبْحَانَهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنَّ مَكْفَأْتَهُ بِالْفِعْلِ كَأَفْأَتُهُ وَ إِلا كُنْتَ مُرْصِداً لَهُ مُوطِئاً نَفْسَكَ عَلَيْهَا؛ اما حق کسی که به تو نیکی کرده است، این است که او را سپاس گویی و نیکیش را یادآوری نمایی و گفتار خیر درباره او نشر کنی و بین خود و خدا برای او خالصانه دعا کنی. زیرا اگر تو این کار را کردی او را در پنهان و آشکار سپاس گفته‌ای، و سپس اگر برایت میسر شود به او عوض دهی و گرنه در صدد آن باشی و خودت را برای این کار مهیا کنی» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۲۳: ۱۸۸).

اما نکته دیگر در سیره امام سجاد (ع) نیکی به کسانی بود که بدی کرده‌اند. این شیوه یکی از موارد دشوار در ارتباطات میان فردی است. چنین رفتاری زمینه مودت و نزدیکی را فراهم می‌کند و کینه‌ها و عقده‌ها را از بین می‌برد و ارتباطات میان فردی را تقویت می‌نماید و جامعه را به سوی محبت و دوستی می‌کشاند. به عنوان مثال حاکم مدینه فردی به نام هشام بن اسماعیل بود که از طرف عبدالملک به این سمت منصوب شده بود. او قریب چهار سال والی مدینه بود و در تمام این دوران از هیچ آزار و اذیتی نسبت به حضرت فروگذار نکرد. زمانی که ولیدبن عبدالملک به خلافت رسید، برای دلجویی از مردم مدینه هشام را برکنار کرد و برای تنبیه او دستور داد در میدان شهر هشام را ایستاده نگه دارند تا آسیب‌دیدگان از او انتقام گیرند. هشام می‌گوید: «من از هیچ کس جز علی بن حسین (ع) نمی‌ترسیدم». اما زمانی که امام از کنار او رد شد به یاران خود فرمود مبادا به هشام سخن ناروایی بگویند و چون خود بر او گذشت به هشام سلام کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ج ۱۴۷: ۲). هشام وقتی رفتار بزرگوارانه امام را دید خطاب به حضرت گفت: «خدا بهتر می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد» (انعام: آیه ۱۲۴).

پناه دادن به خانواده مروان بن حکم که یکی از دشمنان سرسخت امام بود، از جمله مواردی است که می توان به آن توجه کرد، زیرا نمونه‌ای عالی از شیوه برخورد پیشوای چهارم است. در واقع حرّه که در سال ۶۳ هجری رخ داد و تعداد زیادی از مردم شهر مدینه به دستور یزد و به فرماندهی مسلم بن عقبه کشته شدند، مروان از امام سجاد (ع) تقاضا کرد که همسر و خانواده او را در پناه خود حفظ کند. امام نیز با بزرگواری پذیرفت و طی مدت سه روزی که مدینه دستخوش غارت و کشتار بود، امام آنان را پناه داد (پیشوایی ۱۳۷۲: ۱۱۸).

### ۵- رفتارهای همراه با رفق و ملایمت

یکی از اصولی که در روابط میان فردی بسیار اثرگذار است، برخوردی همراه با رفق و ملایمت و به دور از درستی و خشونت که نقش سازنده در اصلاح ارتباطات میان افراد دارد. امام سجاد (ع) بارها خشم خود را مهار کرده و در این زمینه الگوی مناسب عینی و رفتاری در تقویت ارتباط میان افراد به نمایش گذاشت. روزی یکی از خدمتگزاران امام سجاد (ع) برای وضو گرفتن آب به دست حضرت می ریخت که ناگهان ظرف از دستش رها شد و صورت ایشان را مجروح کرد. حضرت سربلند کرد و به او نگریست. آن زن گفت خدای تعالی می فرماید: «الکاظمین الغیظ» حضرت فرمود: خشم خود را فرو خوردم. زن ادامه آیه را خواند: «والعافین عن الناس» حضرت فرمود خداوند تو را ببخشد. او آخر آیه را خواند که می فرماید «والله یحب المحسنین» (۱۳۴ آل عمران). حضرت فرمود تو آزادی می توانی بروی (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۶۰).

### رفتار حمایتی

رفتار حمایتی را اینگونه می توان تعریف کرد: «رفتاری است که به قصد کمک به دیگران، صرفاً به خاطر دوستی و نه به منظور رسیدن به منفعت خاصی انجام می شود» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۳۲). زمانی که در جامعه افراد در موقعیتی قرار می گیرند که نیازمند کمک و حمایت دیگران هستند فرصتی برای بروز یکی از جنبه‌های رفتار انسان در زمینه ایجاد و تقویت ارتباطات میان فردی فراهم می شود. در زمان امام سجاد (ع) بردگان یکی از قشرهای محروم جامعه بودند که از زمان خلیفه دوم به بعد، خاصه زمان خلافت امویان از تمام حقوق انسانی خود محروم شده و مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی قرار داشتند. بردگان و کنیزان از مناطق مختلف به سرزمین‌های اسلامی آورده می شدند و متحمل سخت‌ترین کارها می شدند. امام

سجاد (ع) در حالی که نیاز به بردگان نداشت، آنها را می‌خرید. این خریدن تنها برای آزاد کردن آنها بود. گفته‌اند امام قریب به صد هزار نفر را آزاد ساخت. بردگان که چنین نیتی از امام می‌دیدند، خود را در معرض او می‌نهادند تا امام آنها را بخرد. امام سجاد (ع) در هر ماه و روز و سالی به آزادی آنها می‌پرداخت به طوری که در شهر مدینه عده زیادی همچون یک لشکر از موالی آزاد شده از زن و مرد، به چشم می‌خورد که همگی از موالی امام بودند. امام حتی پس از آزادی این عده اموالی را در اختیار آنان قرار می‌داد تا از این طریق زندگی خود را اداره کنند.

### نتیجه گیری

امام سجاد (ع) در طول دوران سی و چهار ساله امامت خود با توجه به شرایط دشوار سیاسی و محدودیت های اعمال شده از سوی حاکمان وقت، از تمام موقعیت ها برای ایجاد ارتباطات میان فردی بهره گرفت. ارتباطات میان فردی حضرت مبتنی بر نگرش توحیدی بود. این نگرش تمام اقدامات امام را جهت می داد. نکته ارزشمند در سیره حضرت مخاطبان ایشان این بود که مخاطبان حضرت

از قشرهای مختلف تشکیل می شد و پیشوای چهارم متناسب با موقعیت هر فرد به ایجاد و تقویت ارتباطات میان فردی می پرداخت. با واکاوی سیره امامان معصوم از جمله امام سجاد (ع) می توان الگوی صحیح ارتباط میان فردی را ارائه داد که با وجود گذشت زمان و تحول شیوه های ارتباطی همچنان کار آمدی زیادی خواهد داشت.

## منابع

- ۱- ابن فارس؛ احمد بن فارس، (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۲- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۷)، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
- ۳- ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی (۱۴۲۳)، تحف العقول عن آل الرسول؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۴- اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالاضواء.
- ۵- پور نقدی، بهزاد، (۱۳۸۸)، اخلاق در فناوری اطلاعات و آسیب شناسی اخلاق ارتباطات، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، شماره ۴.
- ۶- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۲)؛ سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ۷- حقیقی، محمد رضا، (۱۳۹۲)، نقش شبکه های مجازی در توسعه رسانه های اجتماعی، مجله روابط عمومی، شماره ۸۶.
- ۸- خواجه نصیر الدین طوسی (۱۴۱۳)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۹- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۲۴)، تاریخ الخلفاء، بیروت: دارالحزم.
- ۱۰- سید بن طاووس، (بی تا)، اللهوف فی قتلی الطفوف، کتابخانه الکترونیکی مکتبه الشیعه،
- ۱۱- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، الارشاد فی معرفه، حجج الله علی العباد، بیروت، دارالمفید.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۹۹۷)، مفردات راغب، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۱۳- ریچموند، ویرجینیا و مک کروس، جیمز (۱۳۸۷)، رفتار غیرکلامی (در روابط میان فرد)، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله زاده، تهران: نشر دانش.
- ۱۴- دادگران، محمد، (۱۳۷۴)، مبانی ارتباط جمعی: تهران: فیروزه.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۵)، ترجمه المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۶- طباطبایی، محمدکاظم، دلشاد تهرانی، مصطفی، پسندیده، عباس، سرخه ای، احسان (بی تا)، آشنایی با علوم حدیث، کتابخانه دیجیتال و مرکز آموزش الکترونیکی، دانشگاه قرآن و حدیث.
- ۱۷- علی پور، ملا باقر، یاور، (۱۳۹۵)، نقش ارتباطات غیرکلامی در زندگی روزمره،
- ۱۸- عمید، حسن، (۱۳۹۳)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه امیر کبیر.
- ۱۹- فرزانه، عبدالحمید (۱۳۸۴)، انسان شناسی در صحیفه سجاده، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز.
- ۲۰- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹)، تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، نگاهی مردم شناختی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۷۴)، مبانی ارتباطات انسانی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۲۲- قادر باستانی، (۱۳۸۶)، اصول و تکنیک های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، تهران: نشر ققنوس.

- ۲۳- قاضی نعمان، (۱۴۰۹)، شرح الاخبار، تحقیق سید محمد حسین جلالی، قم: انتشارات اسلامی.
- ۲۴- گلاب بخش، زینب، (۱۳۹۲)، «بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی در قرآن و روایات»، فصلنامه فرهنگ پژوهش شماره ۲۳.
- ۲۵- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۹۲)، ارتباط شناسی، تهران، سروش.
- ۲۶- مهدی زاده، سجاد، (۱۳۹۴)، «الگوی ارتباطات انسانی مطلوب در فرهنگ اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی
- ۲۷- دین و سیاست فرهنگی، شماره پنجم.
- ۲۸- مطهری، مرتضی (بی تا)، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران، صدرا.
- ۲۹- معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۵)، وسایل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۳۰- هارجی، اون، ساندرز، کریستین، دیکسون، دیوید، (۱۳۸۴)، مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، خشایار بیگی، تهران: رشد.